

باسمہ تعالیٰ



دانشگاه علامہ طباطبائی

تحقیق میدانی مردم نگاری محله اوراق چی ها (شوش)

درس:

ارتباطات میان فرهنگی

استاد:

جناب دکتر سبحن یحیایی

گردآورندگان:

سید محمد مهدی حسینی

محمد قنبریان

مقدمه

در زندگی روزمره هریک از ما می‌توان مصادیق فراوانی از نفوذ فرهنگی را مشاهده کرد، که همگی در اثر تعاملی فرهنگی به‌وجود آمده است.

همان‌گونه که در یک تعامل سیاسی رسمی و دیپلماتیک (مانند مذاکره)، نوعی بده‌بستان اتفاق می‌افتد؛ و دو طرف تعامل چیزهایی را می‌دهند، و چیزهای دیگری را بدست می‌آورند، در یک تعامل فرهنگی نیز نوعی دیگر از بده‌بستان که از جنس عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی است اتفاق می‌افتد؛ با این تفاوت مهم که تعامل فرهنگی، عمدتاً غیر رسمی و عمومی است.

بعبارت دیگر در تعامل فرهنگی، هیچ‌گونه سند یا تفاهم نامه رسمی امضا نمی‌شود؛ اما اصل بده‌بستان حتی به صورت ناخواسته و ناخودآگاه سر جای خود هست. نفوذگری و نفوذپذیری فرهنگی هم ناظر به همین بده‌بستان‌ها است واسطه رشد و گسترش چشمگیر تعاملات رسانه‌ای و اینترنتی، نوعی در هم‌تنیدگی فرهنگی را می‌توان مشاهده کرد. این موضوع در ابعاد مختلف زندگی روزانه ما از جمله آموزش، ورزش، تفریح و سرگرمی، خوراک، پوشاک و... قابل رؤیت است.

نکته اساسی در تعاملات فرهنگی به میزان و نوع تاثیرگذاری جوامع بر فرهنگ یکدیگر بستگی دارد که به تبع آن، سلطه‌پذیری‌ها و سلطه‌گری‌ها به منصف ظهور می‌رسند. این سلطه‌ها الزاماً از طریق قوه قهریه نبوده و از راه تبلیغ و ترویج تا تقلید و تکرار الگوهای فرهنگی و شیوه زیست و به تبع آن تحولات فکری نتیجه می‌شوند. ده‌ها سال است که جوامع در حال توسعه یا عقب مانده صنعتی و جوامع توسعه یافته صنعتی را به عنوان الگوی خویش پذیرفته و سعی در تکرار و تقلید آرا و نظریه‌ها و اعمال و شیوه زیست آن‌ها دارند. بدون ورود در همه مباحثی که ممکن است در این مقوله قابل طرح باشند، در این مجال، به موضوع زمینه‌ها و معادل‌گزینی برخی تعبیر اشاره می‌شود.

مطالعات بین فرهنگی، نوعی تحلیل مقایسه ای است که به نسبت فعالیت های فرهنگی نظر دارد. این روش که بنیان آن در انسان شناسی اجتماعی و فرهنگی گذاشته شده است، به مقایسه دیدگاه ویژه فرد در مطالعات خود با دیدگاه های دیگر از فرهنگ های دیگر می پردازد. این مفهوم، در برگیرنده نوعی دیدگاه کلی نسبت به فرهنگ دیگر، بحث از ذهنیت کلی به فرهنگ های دیگر یا مقایسه موضوع یا بخشی از دو فرهنگ با یکدیگر است.

در این تحقیق که در بهار سال 1402 گردآوری شده تلاش بر آن بوده تا با استفاده از حضور در میدان و مشاهده و گرفتن ارتباط و ایجاد گفتگو های مختلف و نشست و برخاست با افراد بتوانیم به این مطالعه بین فرهنگی و مردم نگارانه با جامعه هدف مردمان محله اوراقچی ها و شوش بپردازیم و به طور کلی نمایی از مدل زیست فرهنگی آن منطقه و تبعیض های موجود روایت کنیم.

تاریخچه

محله اوراقچیهای تهران یکی از محله های قدیمی و معروف در شهر تهران، ایران است. این محله در منطقه مرکزی شهر و در شمال میدان نوبنیاد واقع شده است. اوراقچیها در گذشته کسانی بودند که به تولید و فروش کاغذ اختصاص داشتند و این نام به خاطر وجود کارگاه های کاغذسازی در این منطقه به آن داده شده است.

فرهنگ و سبک زندگی مردم در محله اوراقچیهای تهران تحت تأثیر عوامل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است. در گذشته، این محله بیشتر توسط افراد مشغول به کار در حوزه تولید کاغذ و مرتبط با صنایع دستی مربوط به کاغذ، مانند کتاب بافی و تولید جعبه های کاغذی، سکونت داشته است.



از نظر معماری، معماری سنتی در این محله مشاهده می‌شود. خیابان‌های باریک و پهنای بسیار محدود، خانه‌های قدیمی و دست ساز، بناهای تاریخی و عمارت‌های باستانی از جمله ویژگی‌های ظاهری این محله هستند. با این حال، با گذر زمان و شهرنشینی، تغییراتی در ساختار شهری و معماری این محله رخ داده است. اما در کل چه از نظر بافت شهری چه بافت فرهنگی محله اوراقچیهای تهران هنوز هم یک ترکیب از سنت و مدرنیته است.

حال و هوای امروزی

خیابان شوش هیچ وقت خلوت نیست و همیشه رفت و آمد است و این فضایی را برای به وجود آوردن تعاملات بین فرهنگی به وجود آورده است در خیابان های شوش و فرعیهای آن بیشتر مغازه اوراقچی ها و تعمیرات خودرو دیده می‌شود به گونه‌ای که هر چقدر عرض خیابان کمتر

باشد صف خدمات خودرو بیشتر است افراد زیادی روزانه از مناطق مختلف جهت تعویض قطعات خودرو یا صافکاری به این محله‌ها مراجعه می‌کنند.

خیابان جهانیان هم دست کمی از سایر خیابان‌های دیگری ندارد به سختی می‌توان در آنجا تردد کرد و جلو هر مغازه تعداد زیادی ماشین وجود دارد .



در خیابان های شوش و فرعیهای آن بیشتر مغازه اوراقچی‌ها و تعمیرات خودرو دیده می‌شود به گونه‌ای که هر چقدر عرض خیابان کمتر باشد صف خدمات خودرو بیشتر است افراد زیادی روزانه از مناطق مختلف جهت تعویض قطعات خودرو یا صافکاری به این محله‌ها مراجعه می‌کنند. در طی مصاحبه ای که با یکی از این کاسبان داشتیم از آنان در مورد اینکه چرا در این محله کار می‌کنند و خیابان را به این شکل درآوردند پرسیدم آنان اعتقاد داشتند که

نداشتن مکانی برای درآمدزایی و نداشتن بودجه زیاد باعث شده که آنها به این کار در این محله روی بیاورند و آنان می‌گفتند که شغل ما هم مثل بقیه شغل‌ها میوه فروش، قصابی هست فلذا آنها به نوعی حق خودشان می‌دانستند که نصف خیابان را به بهانه فروش قطعات و... تصرف کنند.

موردجالبی که در این تحقیق به دست آوردیم این بود که در این محله کسانی که مغازه ندارند خانه‌های مسکونی را اجاره می‌کنند و آنان را تبدیل به مغازه صافکاری رنگ و فروش قطعات و تعمیرات می‌کنند و اغلب خانه‌ها همین شکل و کاربرد را دارا هستند. در کوچه جهانیان نیز اکثر ساکنین از طریق خانه‌هایشان طریق امرارمعاش می‌کنند.

در کوچه شهید تنزاده با چند خانواده هندی مواجه شدیم که بعد از چند بار تلاش توانستیم با آنها مصاحبه کنیم آنان تسلط زیادی به زبان فارسی داشتند بشکلی بود که می‌توانستند ارتباط برقرار کنند.

از آنها پرسیدیم که چرا این منطقه را برای زندگی و کار انتخاب کردند؟

از آنجا که قبلاً سابقه فروش قطعات ماشین در شهر جیرفت داشتند ، به دنبال مکانی بوده برای اینکه بتوانند درآمد بیشتری داشته باشند و در نهایت به واسطه رفاقتی که با یکی از ساکنین این منطقه داشتند چند سال قبل به این محله آمده و به کار قطعه فروشی ماشین مشغول شده‌اند.

در خصوص وضعیت مشتری از آنها پرسیدیم:

گفتند که اوایل مشتری زیادی نداشتند چون به زبان فارسی تسلط زیادی نداشتند و نمی‌توانستند تعامل و ارتباط مناسب برقرار کنند و مردم که متوجه هویت شان میشدند ترجیح میدادند نزد دیگر مغازه های هموطن شان کار خود را راه بیاندازند...

اما بعدها که به زبان فارسی مسلط شده با توجه به حرفه خود مشتری های بیشتری جذب کردند... پس نقش زبان در تعاملات بین فرهنگی را نباید نادیده گرفت و باید به عنوان یک اصل مهم به آن توجه کرد زیرا هرچه افراد بیشتر به زبان مناطق دیگر مسلط باشند، کمتر با آن گارد گرفتن و نگاه دیگری توسط افراد بومی مواجه می شوند.

کلیشه های مربوط به اعتیاد، دزدی و ناهنجاری اجتماعی

با توجه به صحبت هایی که با کاسبان محل داشتیم خودشان می گفتند که برخی از مغازه داران قطعات کهنه، دزدی و.. را خریداری و سپس تعمیر و رنگ می کنند و به شکل و اسم نو با قیمت کمتری می فروشند. تقریبا اکثر افراد از این فضای ناسالم خبر دارند و به نوعی می توان گفت درمورد یک کلیشه داریم صحبت می کنیم.

به گونه ای که افراد به کسانی که می خواهند برای خرید به این مناطق پایین شهری مراجعه کنند توصیه می کنند که نسبت به ناامنی و مطمئن نبودن نوع کسب و کار برخی هوشیار باشند. البته این کلیشه ناامن بودن صرفا مربوط به کسب و کار ها نمی شود، نکته منفی ای که پس از سپری کردن زمان های مختلف در این محل متوجه آن می شوید آن است که در کوچه پس کوچه های مختلف اتفاقات تلخی رقم می خورد. با قشر فوق العاده ضعیفی مواجه می شوید که از سر نداری به اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر و همچنین ضایعات روی آوردند...

حوالی شب مردی را دیدیم که ظاهری چون معتادها داشت و یک گونی ضایعات به دوش گرفته بود و به یک خانه می برد. چند باری این اتفاق افتاد و چند نفر همین کار را انجام دادند از یکی از آنها پرسیدیم که چه کاری انجام می دهید؟

در ابتدا گفت ضایعات خود را برای امرار معاش به این خانه می فروشم اما بعدا متوجه شدیم ظاهرا در ازای یک گونی ضایعات، مقداری مواد مخدر به عنوان مزد دریافت می کردند که بیشتر این تبادلات نیز در کوچه تن زاده اتفاق می افتاد.

طبق صحبت هایی که با افراد ساکن در ساختمان های آن محل داشتیم بیشتر مردم می گفتند که حضور مالخرها برای آنها اذیت کننده است و همچنین معتادان برای امرار معاش دست به سرقت می زدند و این ماجرا موجب ناامنی مالی و فرهنگی برای خانواده ها و فرزندان شان شده به طوری که آنان از آینده بچه هایشان نگران بودند که نکند بواسطه این محله دچار همچنین اعمال و رویکردی شوند.

این نگرانی نیز کاملا برحق است چرا که هروقت به آن کوچه پس کوچه ها و همچنین اطراف پارک گلستان مراجعه کردیم گروه های مختلفی از جوانان را مشاهده کردیم که درگیر اعتیاد و مشغول مصرف مواد مخدر بودند. از سوی دیگر از لحاظ کردار و گفتار فقط کمی نشست و برخاست لازم است تا متوجه فقر فرهنگی و تفاوت نسبت به مناطق بالاتر بشویم.

چند محل بالا و پایین تر نیز به بازار پرنده فروش ها و باقی صنف ها برخوردیم که در یک هرکدام از آن محل ها همین فضای کثیف و فعالیت های بدتری مثل تن فروشی و... توسط افراد بی بضاعت برای امرار معاش صورت می گرفت.

جمع بندی

از آنجایی که این مردم این منطقه عمدتا مسلمان هستند و مشابه محل های همجوار خود دین و آیین یکسانی دارند کمتر می توان به آن دیگری در کانتکست مذهب پرداخت اما به طور کلی مردم و ساکنان این منطقه نسبت به مناسبات ملی و رویداد های مذهبی مثل نوروز و محرم

بی توجه نیستند و هر ساله در چنین مواردی شاهد برگزاری مراسم های مختلف با شیوه و آداب رسوم خاص هستیم و همین مراسم ها توانسته کم و بیش همچنان روح معنوی را در بین مردمان این منطقه حفظ کند. (فلذا نمی شود آنها را بعنوان اقلیت مذهبی معرفی کرد زیرا اکثرا در سبک زندگی و بافت زیستی متفاوت هستند تا در عقاید دینی)

در خصوص سبک و فرهنگ زندگی نیز همانطور که در ذکر تحقیق میدانی مان بیان شد افراد این منطقه عمدتاً کم بضاعت هستند و با مواردی مثل دزدی، تکرر معتادها، زورگیری، دغل گری در معاملات و... مواجه هستیم. کاسبان و ساکنین این محله اتحاد خاصی بین یکدیگر دارند و به قولی بواسطه آن حال و هوای لوطی گری پشت یکدیگر را خالی نمی کنند و این اشتراکات بیان شده بین ساکنان، جوانان، کاسبان و.. این محل خود یک شبهه کلنی از مردمان قشر ضعیف جامعه را تشکیل داده.

نکته مهم آن است که خیلی از افراد مناطق دیگر شهر آن نگاه دیگری را نسبت به مردم این محل دارند و بخاطر کلیشه های مذکور به خوبی از آنجا یاد نمی کنند و در ذهن خود نمای خوبی ندارند فلذا اکثراً وقتی مایل به برقراری ارتباط هستند که کلاهشان آن طرفی بیوفتد و به قولی کارشان گیر کند اما از طرف افراد خود محله ما شاهد هیچ گونه گارد گرفتن و تعصب برای برقراری ارتباط نیستیم.

طبق فعالیت های شهرداری و پلیس در سالهای گذشته تلاش بر سامان دهی فعالیت های معتاد ها و سارقین شده اما با توجه به عواملی مثل قیمت های پایین ملک و نظارت کمتر دستگاه های مربوطه همچنان قشر ضعیف جامعه در این محل رشد می کنند و بخش قابل توجهی از خرید و فروش مواد مخدر و... با پوشش مغازه های مال فروش و... در حال انجام است.

پایان

(باتشکر از زحمات شما استاد گرامی و ارجمند در طول ترم)